



طلبه شهید ابوالفضل عباسی

در سحرگاه عاشورای محرم ۱۳۸۷ قمری برابر با دوم اردیبهشت سال ۱۳۴۶ توزادی در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد که به پیروی از علمدار کربلا، نامش را «ابوالفضل» نهادند، به این امید آنکه روزی علمداری برای کربلای دیگر باشد.

ابوالفضل، دوران کودکی را در سایه پرورهر والدین سپری و همگام با پدر در مجالس مذهبی شرکت می‌کرد و از همان کودکی عشق به اهل بیت علیهم‌السلام در دلش زنده شد و قوت گرفت.

• تحصیلات

همزمان با تحصیلات ابتدایی با شرکت در جلسات فرهنگی، قرائت قرآن را به‌خوبی آموخت و با شروع انقلاب اسلامی، همراه با سیل خروشان امت در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی چون قطره‌ای از دریا برای پیروزی بر باطل در مبارزات شرکت می‌کرد.

وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همراه دیگر دوستانش برای جذب نوجوانان محله، اقدام به برپایی کلاس‌های قرآن می‌نمود تا از این طریق، خدمت بیشتری به اسلام و انقلاب کرده باشد. ابوالفضل که از نوجوانی قوه تدبیر، اراده و ایمانش به‌خوبی نمایان بود، در کنار انجام فعالیت‌های مذهبی با حضور در زمین‌های ورزشی به‌عنوان یک ورزشکار خوب، سعی داشت تا از این طریق نیز جوانان را در مجالس مذهبی جذب نماید. با شروع حمله ناجوانمردانه رژیم بعث عراق به میهن اسلامی و جنگ‌افروزی دشمن، آتش عشق به حضور در میدان‌های نبرد در دل او زبانه کشید؛ اما به‌دلیل سن کمش، برای حضور در میدان‌های نبرد، پذیرفته نشد.

روح زنده و قلب دلسوز ابوالفضل که او را از حرکت باز نمی‌داشت، بر آن شد تا با شرکت در کتابخانه محل و افزایش فعالیت‌های فرهنگی مذهبی، سعی در انجام وظیفه در پشت جبهه نماید.

شهید ابوالفضل عباسی پس از اتمام دوره راهنمایی، سرانجام با تلاش فراوان در شه‌ریور ۱۳۶۲ توانست از طریق بسیج به استان سیستان و بلوچستان اعزام شود و پس از مراجعت از مناطق محروم، با توجه به علاقه‌ای که از کودکی به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام داشت، برای ادامه تحصیل و فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه آیت‌الله یثربی رحمته‌الله کاشان شد.

• حضور در جبهه

این طلبه جهادی پس از شهادت دوست خود، شهید نعمت‌الله حاج‌جمالی، دوباره از طریق بسیج به مناطق غرب کشور و کردستان عزیمت کرد و در واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به انجام وظیفه مشغول شد. طلبه شهید ابوالفضل عباسی، وقتی آخرین بار در سوم اردیبهشت ۱۳۶۵ به سوی میدان‌های نبرد می‌شتافت، با خود عهد بست تا پیروزی از جنگ برنگردد و سرانجام در ۶ دی ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۴ در جزیره ام‌الزّصاص با اصابت تیر دشمن به ناحیه سر، با قلبی آکنده از عشق و ایمان چون پرنده‌ای سبکبال به معراج پر کشید.

پیکر مطهر این طلبه شهید سال ۱۳۷۵ توسط گروه‌های تفحص شناسایی و با انتقال به آران و بیدگل، با تشییعی با شکوه در گلزار شهدای زادگاهش که امروز، میعادگاه دل‌سوختگان و ادامه‌دهندگان راهش شده، به خاک سپرده شد.

• فرازهایی از وصیت‌نامه

مستولان! در کارهای‌تان خدا را در نظر بگیرید و بدانید این ریاستی که الآن دارید، فقط به‌علت جانبازی‌های جوانان و فدakarی‌ها و از خودگذشتگی‌های این امت شهیدپرور است؛ پس بدانید مسئولیت شما در قبال خون شهدا، بیش از دیگران است. میادا کاری انجام دهید که در آینده مدیون ملتی شهید داده و مستضعف باشید.

جامعه روحانیت! بیدار باشید، این شمايید که باید به‌عنوان پیشتازان این قافله جاوید، در این راه بهتر و بیشتر از دیگران کمر همت و قدم خدمت بر زمین بکوبید؛ پس مقابل این‌همه کارشکنی‌ها و سهل‌انگاری‌ها بایستید که تنها بالای منبررفتن و دم از اسلام‌زدن فایده‌ای ندارد؛ بلکه امروز روز عمل است.

نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی

فلسفه ایام‌الله یادآوری مداوم نعمت‌ها و اهداف الهی

حجت‌الاسلام والمسلمین مطهری‌اصل، نماینده ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی، در جلسه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بزرگداشت ایام‌الله دهه فجر، با اشاره به آموزه‌های قرآن کریم، اظهار کرد: خداوند متعال در قرآن، پیامبران را «مذکر» معرفی می‌کند؛ چراکه انسان در مسیر زندگی روزمره، در اثر مشغله‌ها و سختی‌ها، به‌تدریج دچار غفلت می‌شود و نیازمند یادآوری مداوم است. ایام‌الله، از جمله دهه فجر، دقیقاً با همین فلسفه نام‌گذاری شده‌اند.

امام جمعه تبریز افزود: همان‌گونه که عباداتی مانند نمازهای یومیه به‌صورت مداوم تکرار می‌شوند تا ارتباط انسان با خداوند قطع نشود، مناسبت‌هایی مانند دهه فجر نیز برای این است که جامعه، مسیر انقلاب، اهداف، آرمان‌ها و نعمت بزرگی به‌نام جمهوری اسلامی را فراموش نکند.

مدیر سنجش و پذیرش حوزه‌های علمیه کشور

نشست تخصصی تسریع فرآیند جذب و ثبت‌نام طلاب کاشان برگزار شد

نشست تخصصی ساماندهی و تسریع فرآیند جذب و ثبت‌نام طلاب منطقه کاشان با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین عینی مدیر سنجش و پذیرش حوزه‌های علمیه کشور و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی اسماعیلی مدیر حوزه علمیه این منطقه و معاونان وی در ساختمان مرکز مدیریت حوزه علمیه کاشان برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، این نشست به‌منظور ساماندهی و تسریع فرآیند جذب و ثبت‌نام طلاب علوم دینی و تمرکز بر چالش‌ها و تسهیل مراحل ثبت‌نام و مصاحبه انجام شد.

در این نشست، تمامی مراحل از آغاز ثبت‌نام اولیه تا انجام مصاحبه‌های علمی و عقیدتی، تکمیل و بررسی مدارک، صدور کد موقت و درنهایت صدور کد دائم طلاب به‌صورت جامع مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

مدیر سنجش و پذیرش حوزه‌های علمیه کشور در این نشست، با تأکید بر لزوم حفظ سلامت و دقت فرآیند پذیرش، به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و امکانات موجود برای تسریع در امور ثبت‌نام و صدور کد طلاب را خواستار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عینی، بر اهمیت هماهنگی بیشتر بین دفاتر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، مدارس علمیه و مدیریت

به گزارش خبرگزاری حوزه، نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی، در این جلسه همچنین، با تأکید بر اینکه برنامه‌های دهه فجر نباید صرفاً تشریفاتی و تکراری باشد، تصریح کرد: محتوای مراسم‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که نسل جدید، به‌خصوص جوانان و نوجوانان، با حقیقت انقلاب اسلامی، مجاهدت‌های ملت ایران و هزینه‌هایی که برای استقلال و عزت کشور پرداخت شده است، به‌درستی آشنا شوند.

وی خاطرنشان کرد: تبیین درست دستاوردهای انقلاب، پاسخ‌گویی منطقی و آرام به شبهات و بیان نعمت امنیت، استقلال و عزت ملی، از مهم‌ترین وظایف مسئولان فرهنگی در دهه فجر است و باید



پذیرش مرکزی برای کاهش زمان‌های انتظار و ارائه خدمات روان‌تر به متقاضیان تحصیل در حوزه‌های علمیه تأکید کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی اسماعیلی، مدیر حوزه علمیه منطقه کاشان نیز برگزاری این نشست را گام مؤثری در ایجاد هماهنگی بیشتر و رفع موانع احتمالی دانست و گزارشی از روند جاری و چالش‌های احتمالی پیش‌روی ثبت‌نام طلاب



با زبان روز و متناسب با مخاطب انجام شود. حجت‌الاسلام والمسلمین مطهری‌اصل، همچنین بر هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، نهادهای فرهنگی، مساجد و رسانه‌ها برای برگزاری باشکوه برنامه‌های دهه فجر تأکید کرد و گفت: اگر کارها با برنامه‌ریزی دقیق، نیت خالص و محتوای عمیق همراه باشند، آثار آن در جامعه ماندگار خواهد بود.

وی در پایان اظهار امیدواری کرد: با برگزاری پرار و آگاهانه برنامه‌های دهه فجر، روحیه امید، ایمان، اعتماد به آینده و پایبندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی در جامعه، به‌ویژه در میان نسل جوان، بیش از پیش تقویت شود.

● اخلاق در حوزه



حقیقت عبادت

آیت‌الله ضیاءآبادی رحمته‌الله

منظور از عبادتی که مقبول درگاه الهی است، چه عبادتی می‌باشد؟ یعنی همین نمازی که می‌خوانیم و روزه‌ای که می‌گیریم؟ منظور این است؛ رکوع کنند و سجده کنند، مکه بروند و برگردند؟ خیر هدف این نبوده است؛ بلکه فرموده که عبادتم کنید؛ یعنی انسان خودش را برده و بنده مطیع خدا بداند و غرق در گفتار خدا بشود و آنچه او خواسته، انجام بدهد تا جایی که کاملاً در مقابل فرمان خدا بدون چون‌و چرا خاضع و خاشع باشد که آنچه را گفته، انجام بدهد و آنچه را خدا نگفته، انجام ندهد که عبادت این است و چنین عبادتی معرفت می‌خواهد. بی‌معرفت نمی‌تواند عبادت کند. باید خدا را بشناسد تا در مقابلش خاضع و خاشع باشد تا انسان، کسی را با کمال شناسد، پیش او خاضع و خاشع نیست؛ وقتی به کمال شناخت که او چه کمالی دارد، آنگاه معرفت به او دارد.

• حدیثی از امام علی علیه‌السلام

پیروان کسب معرفت و شناخت معبود

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «سَيَكُونُ فِي أَنْفُسِكُمْ مَعْرِفَةٌ مَا تَعْبُدُونَ حَتَّى تَبْغَعَكُمْ مَا تُعْزَكُونَ مِنَ الْخَوَارِجِ عِبَادَةِ مَنْ تُعْرِفُونَ؛» شما اول معرفت معبود را در جان خود بنشانید؛ چه کسی را عبادت می‌کنید، بشناسید معبودی که عبادت می‌کنید تا این اعمال که انجام می‌دهید، این رکوع و سجود، این مکه و کربلا رفتن‌تان ارزش پیدا کند. آنگاه که معبود را شناختید، این ارزش را بدست می‌آورید.

• در زمان غیبت این دعا را زیاد بخوانید

تا معرفت نداشته باشید، بی‌ارزش خواهد بود. این‌قدر معرفت عمیق است، حتی در دعاهای زمان غیبت که فرموده‌اند: این دعا را زیاد بخواند، وجود دارد و آن اینکه «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».

همه‌اش معرفت خداست. اول خودت را به من بشناس تا تو را نشناسم، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را هم نمی‌توانم بشناسم؛ پس اول باید خدانشناسی بعد پیام‌رشناسی و سپس امام‌شناسی باشد.

• انگیزه عبادت امام علی علیه‌السلام چه بود؟

امام علی علیه‌السلام درباره انگیزه عبادی خویش می‌فرماید: «إلهی ما عِبَدْتُكَ حَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ؛» خدایا تو را پرستش نکردم به طمع بهشتت و نه از ترس جهنمت؛ بلکه تو را چون شایسته عبادت یافتم، پرستش کردم.»

امام خدا را شناخته است و چون او را شناخته است، عبادت می‌کند؛ بنابراین انگیزه امام ترس از جهنم یا رفتن به بهشت نیست؛ از این هم بالاتر است و آن اینکه خدا را شناخته و او را شایسته عبادت می‌داند.

• خدا شناسی با عقل خودمان

آیت‌الله ضیاءآبادی بیان کرد: حالا ما چقدر خدا را می‌شناسیم؛ خدا شناسی بعد هم خدابریستی است. از کسی بپرسیم: این‌قدر می‌گوئید خدا خدا، منظورتان از این خدا چیست؛ اصلاً خدا یعنی چه؟ روزه برای نماز خدا، خوب خدا یعنی چه؟ پس باید بشناسیم ما با عقل خودمان می‌دانیم که یک صانع و خالق داریم که ما را آفریده است؛ مثلاً من که عقل دارم با همین عقل خودم فهمیده‌ام، هر ساختمانی بنا دارد و هر نقشه‌ای نقاش دارد. این را فهمیده‌ام پس این ساختمان بدن من یک سازنده‌ای دارد. خودم که همین‌جور از زمین نرویده‌ام! پس کسی ما را ساخته است. پدر و مادر هم که مثل ما هستند، آنها را هم کسی ساخته، گوش داده و چشم داده است؛ بنابراین چه کسی ما را ساخته این چشم و گوش و دهان را چه کسی ساخته است؟ در درون، این معده و قلب را چه کسی ساخته؛ حتی در بیرون هم، آب و هوا و این‌ها را چه کسی داده است. این را می‌دانم و عقلم آن را می‌داند که خالق من این‌ها را داده است و می‌دانم، آن کسی که این‌ها را داده، یک برنامه هم به من داده است که با گوش چه چیز را بشنوم و با چشم چه چیز را ببینم؛ پس بیهوده مرا رها نکرده و این را عقل می‌گوید. بعد هم این برنامه من را کسی که اطاعت کند، بهشتی خواهد شد و اگر اطاعت نکند، جهنمی خواهد شد؛ پس بهشت و جهنم هم دارد.

• عقل می‌گوید باید مطیع خالق باشم که ما را خلق کرده

عقل می‌گوید: من فهمیدم که خالق برنامه داده و مطیع آن بهشتی و غیرمطیع آن جهنمی است؛ بنابراین کسی که ما را با این کیفیت حکیمانه ساخته است، اگر دستوری داده، باید اطاعت کنیم و مطیع او باشیم. برای آنکه کسی که ما را حکیمانه ساخته، دستورش نیز حکیمانه است و خطا نکرده؛ همان‌طور در ساختمان وجودی ما حتی یک میویرگ هم خطا و بیهوده ساخته نشده است؛ چون خالق طبیعت همان شارع شریعت است و دو زبان دارد؛ زبان شریعت و زبان طبیعت و هر دو حکیم است.

• کسی که نافرمانی می‌کند، بنده نیست

حالا فهمیده که باید بنده او باشد، حال اگر او نافرمانی می‌کند، این فرد بنده نیست. بنده کسی است که نوکر باشد. هرچه گفتند، بگو می‌گوید: چشم و مطیع است؛ پس وقتی اطاعت نمی‌کند و بنده نیست، خدا را نشناخته است و خدانشناس نیست. اسمش را گذاشته خدا؛ ولی اوهام می‌پرستد. کسی که نافرمانی خدا را می‌کند، دیگر بنده نیست و آن چیزی را که پرستیده خدا نبوده است، هدف خدا این بوده که او را بشناسید، بعد هم بنده مطیع خدا باشید.